



۱- چه کسانی به پیامبر سلام می‌فرستند؟

خدای مهربان بر او سلام می‌فرستد.

فرشتگان آسمان بر او سلام می‌فرستند.

مسلمانان در سراسر زمین بر او سلام می‌فرستند.

او دوست داشتنی‌ترین دوست خدا و بهترین بنده‌ی اوست.

نام زیبایش، مشهورترین نام عالم است؛ محمد.

در تمام نمازهایمان نام او را می‌بریم.

هرگاه نامش را می‌شنویم، قلبمان شاد می‌شود و بر او و خانواده‌ی پاکش درود می‌فرستیم.

تک تک گفتارهایش شنیدنی،

یک یک رفتارهایش دیدنی

و لحظه لحظه‌ی زندگی‌اش لبریز از زیبایی است.

گوشه‌هایی از زندگی زیبایش را به تماشا می‌نشینیم:

* خدا را بسیار دوست داشت. کارهایی که نشان می‌دهد پیامبر خدا را دوست دارد، برتر است.

تمام کارهایش را با نام خدا آغاز می‌کرد؛

وقتی کارش را به پایان می‌رساند، خدا را شکر می‌کرد؛

در برابر دستور خداوند همیشه تسلیم بود. پیامبر در رابعه با تسلیم خدا بر دل چه می‌فرمود؟

و می‌فرمود: «همیشه و همه‌جا فرمان خدا بر هر چیزی مقدم است»؛

با اشتیاق تمام، چشم انتظار رسیدن وقت نماز بود و می‌فرمود: «نماز، نور چشم

من است»؛ پیامبر در رابعه با نماز چه می‌فرمود؟

هرگاه وقت نماز می‌رسید، به بلال می‌گفت: «ای بلال اذان بگو و ما را با اذان گفتن خوشحال کن»؛

به قرآن کریم علاقه‌ی زیادی داشت و آن را با صدایی زیبا می‌خواند؛ شب‌ها قبل از اینکه بخوابد، بعضی از سوره‌ها را می‌خواند.

*** تمیز و آراسته بود.** پیامبر با انجام چه کارهایی پاکیزگی و آراستگی هر دو را نشان می‌داد؟

به بهداشت و سلامت بدن اهمیت می‌داد؛

لباس‌هایش همیشه پاکیزه بود و می‌فرمود: «تا می‌توانید پاکیزه باشید، پاکیزگی از پایه‌های دین اسلام است»؛

لستن پیامبر در رابطه با پاکیزگی را این‌گونه

پیش از غذا و بعد از غذا دست‌هایش را می‌شست؛

غذای داغ نمی‌خورد و در آن فوت نمی‌کرد؛



۵

برای خشک کردن دست و صورت، حوله‌ای مخصوص داشت؛
بعد از غذا و پیش از خواب و بعد از بیدار شدن مسواک می‌زد؛
حتی در مسافرت‌ها نیز مسواکش را با خود می‌برد؛

می‌فرمود: «مسواک زدن قبل از نماز، ثواب نماز را هفتاد برابر می‌کند»؛
آن قدر خوشبو بود که هرگاه از جایی می‌گذشت، مردمی که به آنجا می‌رسیدند،
می‌گفتند: «پیامبر خدا از اینجا عبور کرده است».

هرگاه می‌خواست از خانه بیرون برود به آینه نگاه می‌کرد و موهایش را شانه می‌زد
و می‌فرمود: «خدا دوست دارد وقتی به دیدار برادرانمان می‌رویم، تمیز و آراسته
باشیم».

حجره

تدبّر کنیم

این آیه را بخوانید:

صلوات می‌فرستد

إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند.

ای مؤمنان، بر او درود فرستید و تسلیم فرمان او باشید.

سوره‌ی احزاب، آیه‌ی ۵۶

❁ پس از شنیدن آیه، چه می‌کنید؟ صلوات می‌فرستیم

❁ به نظر شما چگونه می‌توانیم به این آیه عمل کنیم؟

با دیدن این تصاویر به یاد کدام رفتار پیامبر می‌افتید؟

سینه صدای اذان و عبادت



سنت دست‌ها



* بسیار باادب بود. پیامبر با چه رفتاری نشان می‌داد با ادب است؟

سخت پیامبر در رابطه با خوش
روئی میت؟

در سلام کردن از همه پیشی می‌گرفت؛ چه چیزی خوش‌رو بود و می‌فرمود: «خوش‌رویی کینه را از دل می‌برد»؟

وقتی با کسی دست می‌داد، دستش را زود عقب نمی‌کشید؛

وقتی برای چند نفر صحبت می‌کرد، نگاهش را میان همه تقسیم می‌کرد؛

به عهد و پیمان خود وفا می‌کرد؛ اگر با کسی وعده‌ی ملاقات داشت، سر موقع به آنجا

می‌رفت؛

با کسی قهر نمی‌کرد و هرگاه با خبر می‌شد عده‌ای با هم قهرند، برای آشتی دادن آنها

تلاش می‌کرد؛ می‌فرمود: «دو مسلمان نباید بیشتر از سه روز با هم قهر باشند»؛

اگر کسی از ایشان عذرخواهی می‌کرد، زود عذرش را می‌پذیرفت؛

در برابر خوبی‌ها تشکر می‌کرد. تشکر کردنش گاه با هدیه، گاه با لیخند و گاه با دعا کردن

برای او همراه می‌شد؛ تسک کردن پیامبر چگونه بود؟

هرگاه سوار بر حیوانی بود و پیاده‌ای را در مسیر می‌دید، او را سوار می‌کرد؛

هنگام مسافرت در آخر کاروان حرکت می‌کرد تا اگر کسی از کاروان جا مانده است به او

کمک کند.

بیا میر با صبر و استقامت به علم و دانش بسیار اهمیت می‌داد!

از همنشینان با کسانی که گفت و گوی علمی می‌کردند، شادمان می‌شد؛

به اسیران جنگ بدر گفت: «هرکدام از شما که به ده نفر خواندن و نوشتن بیاموزد، آزاد

می‌شود»؛ شرط آزادی اسیران جنگ بدر چه بود؟

می‌فرمود: «از گهواره تا گور دانش بجویید»؛ سخن بیا میر در رابطه با علم و دانش را بررسی کنید.

مردم را به پرسش تشویق می‌کرد و می‌گفت: «دانش مانند گنج است و کلید آن پرسش

است»؛ از نظر بیا میر دانش مثل چیست و کلید آن چیست؟

به کسانی که در جلسات علمی حاضر می‌شدند، توصیه می‌کرد: «یادداشت برداری کنید

و دانش را با نوشتن نگه دارید»؛ چگونه می‌توان دانش را زنده نگه داشت؟

سفارش می‌کرد که مسلمانان، دیگر زبان‌های مورد نیاز را بیاموزند.

یادداشت در معنای تا چه زمانی است؟

بیا میر چگونه به درختان و حیوانات توجه داشت؟

درخت‌های بسیاری می‌کاشت و مردم را به درخت‌کاری سفارش می‌کرد:

«هرکس درختی را بکارد تا این درخت باقی است، خداوند به او پاداش می‌دهد»؛

به مردم سفارش می‌کرد که برای چیدن میوه به شاخه‌ها سنگ نزنند؛

اجازه نمی‌داد برای سرگرمی و نشاط، حیوانات را به جان یکدیگر بیندازند یا برای تمرین

تیراندازی، حیوانی را هدف قرار دهند؛

می‌فرمود: «اگر سوار بر مرکب از کنار آبی می‌گذرید، مرکب را کنار آب بپرید تا اگر تشنه

است، بنوشد»؛ هنگامی که سوار بر مرکب هستید چه نمانی را باید رعایت کرد؟

«هنگام دوشیدن شیر، ناخن‌هایتان را بگیرید تا حیوان اذیت نشود. تمام شیر را نیز

ندوشید و مقداری هم برای بچه‌اش بگذارید»؛ هنگام دوشیدن شیر می‌رانی چه نمانی را باید رعایت کرد؟

اگر کسی حیوانی را برای مدتی طولانی با بارش رها می‌کرد به او می‌فرمود: «اگر کار داری،

بار آن را پایین بگذار تا حیوان استراحت کند».

۱- چهارپایی که بر آن سوار می‌شوند، مانند اسب، شتر و ...

تدبّر کنیم

این آیه را بخوانید:

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ

(ای پیامبر!) ما تو را برای اینکه رحمتی برای جهانیان باشی، فرستادیم.

سوره‌ی انبیاء، آیه‌ی ۱۰۷

جلسه‌ی رحمتی برای جهانیان است؟ حضرت محمد

چه ارتباطی میان مفهوم این آیه و آنچه در درس خواندیم، هست؟

ایمان با ویژگی‌های اخلاقی که داشتند باعث رسد فتاوی‌های اخلاقی، علمی، فرهنگی و... بسو سوزن رس رحمتی برای همه‌ی دنیا است.

گفت‌وگو کنید

کدام یک از رفتارهای پیامبر تأثیر بیشتری در شما داشته است؟ چرا؟
بر عهده دانش آموز

همخوانی کنیم

مثل دریا، همیشه بخشنده
مثل چشمه، همیشه خوشرو بود
مثل باران، لطیف و شادی بخش
مثل گل‌ها، همیشه خوشبو بود

بر لبانش همیشه نام خدا
یاد حق در دلش درخشان بود
بهترین بنده‌ی خدای بزرگ
باغ مهر و بهار ایمان بود

خانه‌اش، ساده بود مثل همه
سفره‌اش، مثل سفره‌های همه
همزبان تمام مردم بود
همدلی مهربان برای همه

لحظه‌ها با حضور او زیبا
دیده‌ها با نگاه او تابان
کوچه‌ها از عبور او خرم
بچه‌ها از سلام او خندان

سید محمد مهاجرانی

به کار ببندیم

من هم دوست دارم مانند پیامبر خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ؛ بنابراین...
بر کمره دانش آموز

۱- در اول هر کار **عَامَّ** و **يَا دَعَا**
رامی آورم

۲- وقتی صدای اذان را می شنوم، ...
صدوات می فرستم **وَأَمَّا لَهَيَّ نَمَازِي سَمِعْتُمْ**

۳- شبها پیش از خواب **هَسْرَاك**
می زنم و **چند سوره می خوانم**

۱- پیش و بعد از غذا **دَسْتَاهِيم**
رامی **سُوِّم**

۲- سعی می کنم همیشه لباس های
يَا لَيْزَه وَهَوَسْبُو سَمِعْتُمْ

۳- وقتی از خانه بیرون می روم، ...
يَا لَيْزَه وَارَا سَمِعْتُمْ وَهَوَسْبُو سَمِعْتُمْ

۱- وقتی دوستم با من قهر کرد، ...
دَرِاسْتَن كَرْدَن رِسِّي عَدَم مِي سَمِعْتُمْ

۲- هنگامی که دوستانم را می بینم،
لبخند می زنم **وَسَلَام مِي لَنَم**

۳- در مقابل خوبی های دیگران، **چیزی**
وَسْتَفْرِي لَنَم

۱- اگر حیوان گرسنه ای ببینم، به
اَوَلَدَامِي دَهَم

۲- برای محافظت از طبیعت، **زبانم**
سَمِي رِي زَم

۳- وقتی در تلویزیون رفتاری را
که در سیرک با حیوانات انجام
می شود، می بینم، **حَارَا عَت**
وَدَلِي مِي سَمِعْتُمْ

کامل کنید

کدامیک از این موارد، ویژگی‌های یک انسان خوب است؟ آنها را رنگ‌آمیزی کنید و کلمه‌ای را که می‌بینید در جای خالی بنویسید.

بدون نام خدا کار کردن	مطالعه نکردن	بداخلاقی	بریدن درختان	دوست نداشتن علم	دعا کردن	توجه نکردن
همدیگر را مسخره کردن	سؤال نپرسیدن	سلام نکردن	کمتر کردن به بزرگان	بی اعتنا بودن به نیازمندان	بی حوصله بودن	فهرت کردن
بی نظم بودن	وفای به عهد	آشتی دادن دیگران	مسخره نکردن	احتمو بودن	خاموشی و مرتب بودن	توبه نکردن
نماز خواندن	آشفته بودن	فهرت کردن	تشکر کردن	یک نفس نوشیدن آب	قرآن خواندن	توبه نکردن
کمک به دیگران	به عهد خود وفا نکردن	توبه نکردن	بی احترامی به معلم	آزار حیوانات	صحبت دیگران را قطع کردن	توبه نکردن
کثیف بودن	مسواک نکردن دندان	مشورت نکردن	کم طاق بودن	مطالعه و خواندن کتاب‌های آموزنده	خوشبو و مرتب بودن	توبه نکردن

آفرین بر بچه‌های مسلمان... پیرو حضرت محمد صلی الله علیه و آله



ماجرای اوّل



ملیکا تا نگاهش به روان نویس قرمز افتاد، چشم‌هایش برق زد.

- «چه روان نویس قشنگی!»

فوری خم شد؛ آن را برداشت و هیجان‌زده به دوستش گفت: «امروز صبح تصمیم داشتم از مغازه خودکار قرمز بخرم، اما یادم رفت؛ در عوض یک روان‌نویس قرمز پیدا کردم!»

هدی گفت: «اما این که مال تو نیست! زود برو این را داخل

جعبه‌ی اشیای پیدا شده بگذار تا به دست صاحبش برسد.»

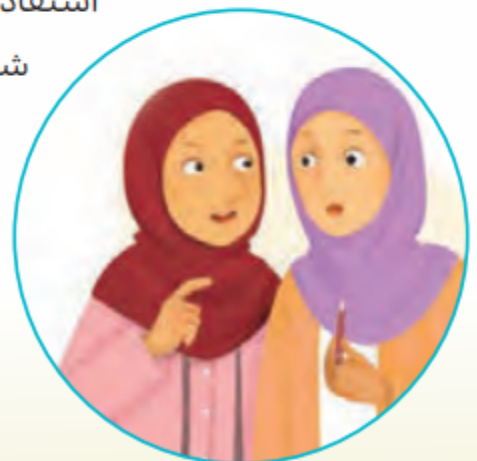
ملیکا روان‌نویس را در کیفش گذاشت و گفت: «این را که خودم هم می‌دانم. معلوم است که این برای صاحبش است. من فقط برای امتحان ریاضی از آن استفاده می‌کنم و بعد از امتحان، فوری روان‌نویس را در همان جعبه می‌گذارم.»

هدی گفت: «نمی‌شود!»

ملیکا ادامه داد: «ای بابا! خیلی سخت‌گیر هستی. من بیشتر از خودکار آبی‌ام استفاده می‌کنم. از این روان‌نویس فقط برای خط‌کشی و رسم

شکل‌ها استفاده می‌کنم تا برگه‌ی امتحانی‌ام قشنگ‌تر شود؛ همین! با روان‌نویس، شکل‌ها زیباتر و پررنگ‌تر کشیده می‌شود.»

هدی گفت: «وقتی این روان‌نویس مال شما نیست، حتی یک خط کوچک هم با آن نمی‌توانی بکشی!»



ماجرای دوم



کریم که کوچک‌ترین عموی اکبر است، دیروز به خانه‌ی آنها آمد. پدر و مادر اکبر رفته بودند بازار.

کریم به اکبر گفت:

«اکبر جان! اگر می‌شود دوربین فیلم‌برداری پدرت را برایم بیاور. فردا با دوستانم می‌خواهیم برویم کوه‌نوردی!

می‌خواهم از کوهستان‌های اطراف شهر فیلم بگیرم. دوربینتان خیلی عالی است».

اکبر با تعجب گفت: «عمو جان! دوربین پدرم مال خودش که نیست؛ دوربین اداره است. پدرم هنگام مأموریت‌های کاری از آن استفاده می‌کند».

کریم گفت: «فقط یک روز آن را می‌خواهم. قول می‌دهم به خوبی از آن مراقبت کنم و حتی یک خط هم به آن نیندازم».

- «البته پدرم خودش بهتر می‌داند؛ ولی من مطمئنم بابا قبول نمی‌کند».

- «از کجا می‌دانی؟»

- «چون روز جشن تولد من با تلفن همراهش فیلم گرفت. وقتی به او گفتم چرا با دوربین فیلم نمی‌گیری؟ گفت:

از دوربین اداره نباید استفاده‌ی شخصی کرد».

ماجرای سوم

کنار خیابان پر از صندوق‌های میوه بود. من و حسن از خیابان رد شدیم تا کمی انگور بخریم. کنار یکی از فروشندگان رفتیم و من کیسه‌ی نایلونی را از او گرفتم.

حسن گوشه‌ای ایستاد و من کنار صندوق‌ها رفتم. همه جور انگور داشت؛ ریز، درشت، سبز، سیاه، قرمز و ...

خوشه‌ای را برداشتم تا داخل کیسه بگذارم؛ با خودم گفتم:

«بهتر است امتحان کنم ببینم شیرین هست یا نه؟»
یک دانه داخل دهان گذاشتم؛ شیرین نبود! سراغ صندوقی دیگر رفتم و باز یک دانه
دهانم گذاشتم؛ آن هم شیرین نبود. از صندوق انگورهای سیاه هم یک دانه در
دهان گذاشتم؛ آن هم شیرین نبود.
به طرف فروشنده رفتم.



- «آقا بفرما این نایلون را بگیر. انگورهایتان شیرین
نیست.»

فروشنده هم چیزی نگفت. به حسن گفتم:
«برویم جای دیگر، اینها شیرین نیست.»

حسن گفت: «پولش را دادی؟»
تعجب کردم.

- «پول چی؟ من که انگور نخریدم!»

حسن ادامه داد: «آن چند دانه‌ای که در دهانت گذاشتی چطور؟ باید فروشنده
راضی باشد.»

برایم بگو

احساس شما از اینکه ببینید شخصی بدون اجازه از وسایل دیگری استفاده می‌کند،
چيست؟ ناراحتی

با او چه برخوردی می‌کنید؟ چرا؟

به او تذکر می‌دهم و از او می‌خواهم از صاحبش اجازه بگیرد

* مادر مریم فراموش کرده بود ظرف نذری همسایه را به آنها بازگرداند. استفاده از ظرف همسایه برای کارهای آشپزی در منزل **اشتباه و حرام است**.

* سعید از نانویی برگشت. نان‌ها را درون سفره گذاشت و دوباره آنها را شمرد. برای بار سوم شمرد. اشتباه نکرده بود. نان‌ها ۱۱ تا بود؛ اما او فقط پول ۱۰ نان را داده بود. با خودش گفت: **بهتر است نان آخر را برگردانم یا پول آن را بدهم**.

* پارچه‌های بریده شده‌ی همسایه‌ها، کنار چرخ خیاطی مادر برای دوختن آماده بود. سارا از پارچه‌های اضافی چند تکه برداشت و به سمیه گفت: با اینها برای عروسکم لباس بدوز. سمیه گفت: **برای این کار باید از صاحب پارچه‌ها اجازه بگیری. در غیر این صورت کار اشتباه و حرامی است**.

* امروز پالتوی خود را در مدرسه گم کردم؛ همه جا را گشتم، ولی آن را پیدا نکردم. از اینکه بچه‌ها بشنوند یک کلاس پنجمی لباسش را گم کرده است، خجالت می‌کشیدم. بزرگ‌ترهایم هم ممکن بود از شنیدن ماجرا عصبانی شوند. یک پالتو روی جالباسی یکی از کلاس‌ها توجهم را به خود جلب کرد. هیچ فرقی با پالتوی من نداشت ولی مطمئن نبودم مال من باشد. **با بزرگ‌ترها** مدرسه پرس و جو کن تا مطمئن شوی مال او است یا نه.

اموال عمومی : اموالی که متعلق به همه‌ی مردم است. مثل نیفت پارک
 اموال شخصی : اموالی که متعلق به یک شخص خاص است. مثل لباس شخصی

بین و بگو

کدام یک جزء اموال عمومی است؟ چرا؟ همه‌ی موارد - زیرا همه می‌توانند از آن‌ها استفاده کنند.



به آنها آسیب نرسانیم .
 بهترین راه‌های استفاده از هر یک از این اموال عمومی چیست؟
 اگر هر یک از اینها جزء اموال شخصی شما یا خانواده‌تان باشد از آنها چگونه استفاده می‌کنید؟ جادقت از آنها مراقبت می‌کنیم .

تدبّر کنیم

این آیه را بخوانید:

این آیه به چه مفهومی اشاره دارد؟ به کم فروشی

وَيْلٌ لِلْمُطَفِّينَ

وای بر کم فروشان

سورهی مطفّین، آیهی ۱

یعنی اینکه چیزی را کمتر از وزن واقعی به کسی بفروشیم ولی پول وزن واقعی «کم فروشی» به چه معناست؟ را از او بگیریم

* این آیه با موضوع درس چه ارتباطی دارد؟

باید مراقب اموال شخص و اموال دیگران باشیم و از به دست آوردن مال حرام دوری کنیم.

